

سیده نعیمه زینبی ۵ آبان ماه سال ۱۳۱۵ است که مراسم افتتاح نخستین کارخانه مشهد و سومین کارخانه قند کشور برگزار می‌شود؛ یک شانس بزرگ برای مشهدی‌ها که اشتغال در یک کارخانه بزرگ و صنعتی را تجربه و از ییکاری نجات پیدا کنند. از سوی دیگر چغندرکاری هم به کشاورزی مشهد افزوده می‌شود تا مواد اولیه این کارخانه را تأمین کند. تعداد زیادی هم در انتقال این چغندرها از سر مزارع به کارخانه دست دارند. یک شهر در خدمت یک کارخانه است و یک کارخانه در خدمت یک شهر و همین اهمیت آن را بیش از پیش می‌کند. از سوی دیگر قند در آن زمان یک محصول استراتژیک و کمیاب است که می‌تواند بر معیشت و رضایت مردم اثرگذار باشد و در سراسر تاریخ مطبوعات می‌توان اخبار گرانی و کمیابی آن را دنبال کرد. اهمیت این محصول تا آنجاست که وقتی کارخانه قند در سال ۱۳۲۵ آتش می‌گیرد، روزنامه‌ها به همین راحتی از کنار آن نمی‌گذرند و همه اخبار آن -از آتش‌سوزی تا راه‌اندازی دوباره- را پوشش می‌دهند. در این نوشته، به سراغ بازخوانی جراید آن زمان رفته‌ایم تا اهمیت و نقش کارخانه قند آبکوه را در زندگی اجتماعی و اقتصادی یک شهر یادآوری کنیم.

شرح واقعه

۳ مهرماه سال ۱۳۲۵ است که روزنامه‌ها خبر اتفاقی را که دو روز پیش از آن افتاده است و همه مردم شهر در جریان آن قرار دارند، به چاپ می‌رسانند. در حدود ساعت ۶ عصر روز یکم مهر کارخانه قند آبکوه دچار حریق می‌شود و ماشین‌های آتش‌نشانی پس از آن راهی منطقه آبکوه (که خارج از دروازه‌های شهر قرار دارد) می‌شوند، یک خبر مهم برای شهری با تعداد کارخانه‌های اندک. روزنامه آزادی درباره این آتش‌سوزی گسترده می‌نویسد: «عده زیادی سرباز و نگهبان جهت اطفای حریق می‌روند و با کمال جدیت مشغول اطفای حریق که چندین متر از بالای شیروانی کارخانه زبانه می‌کشید، می‌شوند و در ضمن برای حفاظت انبار کارخانه که پر از قند و شکر بوده آن قسمت را از کارخانه جدا نموده و ساعت ۱۰ حریق از شدت افتاده و تقریباً یک بعد از نصفه شب به‌کلی خاموش می‌شود. جریده آزادی در گزارش میدانی‌اش می‌نویسد: «حدود ساعت ۶ بعدازظهر یکی از مستخدمین کارخانه در اطاق مباشر فنی که در طبقه دوم کارخانه است دودی مشاهده می‌کند و بلافاصله زنگ خطر را می‌نوازد. عمله‌جات و کارکنانی که آن وقت حاضر بوده‌اند، ریخته و آتش را در اطاق خاموش می‌کنند ولی همین که به خارج سالن کارخانه می‌آیند، می‌نگرند که آتش ناگهان از شیروانی‌ها زبانه می‌کشد. فوری به شهرداری اطلاع می‌دهند و برای اینکه سرفتی رخ ندهد، یک عده نظامی با یک افسر در کارخانه مانده و به مواظبت می‌پردازند.»

خسارات آتش‌سوزی و گرانی قند

ظاهرا اتصال سیم‌های برق باعث این آتش‌سوزی می‌شود و به تأسیسات کارخانه صدمات فزایدی می‌زند، «وسایل برق کارخانه به‌کلی از بین رفته است، ساختمان تقریباً سوخته و ویران و اغلب لوله‌های فلزی ذوب شده است. وسایل فولادی کارخانه که آب‌دیده بود به‌واسطه حرارت آب آن گرفته شده و فعلایی مصرف است. موتور دیزل و قسمتی از دیگ و وسایل قندسازی و انبار قند سالم مانده است ولی با از بین رفتن قسمت اصلی کارخانه این‌ها قابل استفاده نیست.» استاندار به‌خاطر اهمیت موضوع، همان روز به کارخانه می‌رود و پس از آن با تلگراف ماجرا را به نخست‌وزیر خبر می‌دهد و بی‌درنگ درخواست نیروی بازرسی و تعمیرات برای کارخانه را می‌دهد. نخست‌وزیر هم با این درخواست موافقت می‌کند و اطمینان می‌دهد که هیئت فنی موردنظر با هواپیما عازم مشهد خواهد شد. روزنامه آزادی در پایان گزارش میدانی، نظر خودش را هم درباره اهمیت این کارخانه برای کشور چنین بیان می‌کند: «اگر نظر جناب آقای استاندار عملی شود که امید می‌رود با نظر هیئت فنی که خواهند آمد تطبیق کند و مرکز هم سریعاً اقدام نماید آنچه در کارخانه قند آبکوه سوخته و بی‌مصرف شده از کارخانه شازند اراک سریعاً حمل‌ونصب نمایند تا نیمه‌آبان کارخانه تجدید حیات کرده و به کار خواهد افتاد و بعید نیست چنین هم بشود؛ زیرا کارخانه قند مشهد و محصول آن به‌تنهایی برابر تمام کارخانجات فعلی قند کشور است و چون کارخانه با چغندرکارها تعهد دارد، لابد دولت که ناچار از خرید چغندر است ناچار وسایل به کار افتادن کارخانه را هم تهیه خواهد کرد و از این حیث دغدغه نیست.» البته ظاهراً پس از این حریق قند و شکر در بازار مشهد نایاب می‌شود و محصول موجود نیز گران‌تر از قیمت واقعی عرضه می‌گردد و حتی مسئله کوبینی شدن دوباره قند در این شهر مطرح می‌شود که همه این مسائل اهمیت کارخانه قند برای شهر را یادآوری می‌کند.

نگرانی برای مهم‌ترین کارخانه قند کشور

با وقوع این حادثه زیرپوست شهر ماجراها و اتفاقات زیادی شکل می‌گیرد. ۷ مهرماه سال ۱۳۲۵ دکتر فریدلیپ، رئیس بانک صنعتی و معدنی ایران، با یک هیئت همراه متشکل از معاون بانک، مهندس سمندری، رئیس کل کارخانجات قند کشور، و دو متخصص به مشهد می‌آیند تا کار بازدید و اصلاح کارخانه خیلی زود شروع شود. در ادامه فریدلیپ با نمایندگان زارعان و مالکان چغندر دیدار می‌کند تا درباره سرنوشت کارخانه با آن‌ها صحبت کند. فصل برداشت چغندر نزدیک است و چغندرکاران از سه هفته دیگر محصولات خود را به کارخانه می‌آورند که با این آتش‌سوزی همه برنامه‌ها به هم می‌ریزد و زارعان نیز سردرگم می‌شوند. در این دیدار مدیرکل بانک صنعتی اظهار می‌کند: «من اطمینان می‌دهم که در برنامه بهره‌برداری و اجرای عملیات کارخانه تغییرات وارد نخواهد شد و از هشت تا ۱۰ هفته دیگر کلیه عملیات بهره‌برداری قند به‌طوری‌که قبلاً پیش‌بینی شده بود، اجرا خواهد‌گردید.» فریدلیپ این قول را هم می‌دهد که عملیات ترمیم و اصلاح کارخانه از همان روز شروع و ماشین‌آلات تعمیرپذیر نیز ترمیم شوند و بخش بازگشت‌ناپذیر آن نیز از سایر کارخانه‌ها تأمین شود. همچنین به گفته مسئولان، شش گروه کارگر شبانه‌روز به کار گماشته می‌شوند تا راه‌اندازی به تعویق نیفتد و چغندرها ظرف مدت کوتاهی خریداری شود. طبق گفته او، تولید کارخانه قند آبکوه به حدود ۱۰میلیون کیلورسیده است که نقش مهمی در بازار قند ایران دارد و فقدان این مقدار قند و شکر می‌تواند برای کشور بحران‌ساز شود، البته این دیدار نیز از نگرانی بسیاری از چغندرکارانی که زمین‌هایشان زیر کشت این محصول رفته و وقت برداشت چغندرهایشان رسیده است، نمی‌کاهد. جریده آزادی برای آرام کردن این افراد در ۱۱مهرماه توجیهاتی می‌آورد تا اثبات کند که ماندن چغندر در زمین به نفع کشاورز و ازدیاد محصول است؛ …» البته باید در مهرماه زیادتر از سابق آب بدهند و به این ترتیب می‌توان از مزرعه که در مهرماه اگر چغندران کنده بشود، دو تن حاصلش باشد. در آبان ماه اگر کنده بشود، چهار تن حاصل همان زمین خواهد بود.» در کنار این فعالیت‌ها مسئولان مشهدی همراه با وقوع این حادثه یک بازپرس از تهران برای بررسی علت آتش‌سوزی درخواست می‌کنند و سلحشور، رئیس دادگاه جنحه استان، به این سمت منصوب می‌شود تا دلایل وقوع حادثه را بررسی و عاملان احتمالی آن را شناسایی کند.

روزگاری تنها کارخانه شهر آن‌قدر بر زندگی مردم اثرگذار بود که جراید همه اخبار آتش‌سوزی‌اش را پوشش دادند

بوی قند سوخته شهر را فراگرفت



گرانی و کمیابی قند در دوره پهلوی اول



نگرانی‌ها از تأخیر بازسازی ادامه دارد

باگذشت مدتی از حادثه، روزنامه‌ها به همین راحتی از کنار کارخانه قند نمی‌گذرند و گزارش‌های بی‌دربی جراید از اهمیت این اتفاق در شهر و پیگیری مردم خبر می‌دهد؛ البته طبق گزارش‌های مردمی، مسئولان کارخانه به قولی که برای شبانه‌روزی کار کردن کارگران داده بودند، عمل نمی‌کنند و فقط روزی شش ساعت عملیات تعمیر و ترمیم کارخانه دنبال می‌شود، همچنین ماشین‌آلات و وسایل یدکی نیز تا ۱۸مهرماه به مشهد نمی‌رسد و همین شایعات باعث می‌شود جریده آزادی در تحویل گرفتن بموقع کارخانه تردید کند و بگوید: «معلوم نیست تا موقی که وعده داده‌اند، یعنی تا آخر آبان، حتی در ماه آذر، کارخانه قند مستعد برای بهره‌برداری بشود و نیز وعده داده بودند که در آبان ماه مواد اولیه را از چغندرکارها تحویل بگیرند. آنچه زمزمه می‌شود نمی‌خواهند به این وعده وفاکنند و می‌گویند باید چغندرها را مالکین از زمین درآورده

روز موعود فرا می‌رسد

این ماجرای نگران‌کننده که بر دیگر فعالیت‌های شهر هم بی‌تأثیر نیست با خبر دیگری ختم به‌خیر می‌شود. آبان‌ماه سال ۱۳۲۵ روزنامه آزادی می‌نویسد: «به‌طوری‌که اطلاع می‌دهند کارخانه قند آبکوه مشهد زودتر از موعدی که بنا بود شروع به کار کند، مشغول کار خواهد‌گردید و چغندر به‌موقع خود از مالکین تحویل گرفته خواهد شد.» یک ماه بعد هم خبر تحویل گرفتن چغندرها توسط کارخانه، کشاورزان نگران را خوشحال می‌کند و از سردرگمی بیرون می‌آورد. ۱۷ آذرماه بالاخره روز موعود فرا می‌رسد و کارخانه قند آبکوه ۷۵ روز پس از حریق بهره‌برداری می‌شود و بسیاری از مسئولان خراسانی و تهرانی که خود را به مشهد رسانده بودند، در مراسم افتتاح آن

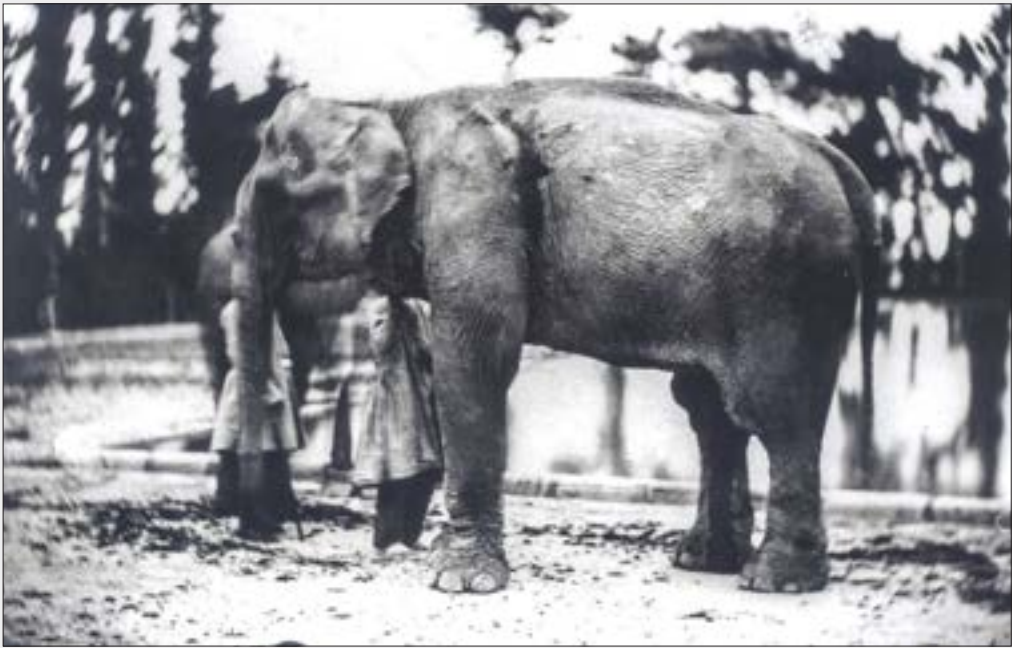
و در روی زمین خودشان سیلو نمایند تا بعد از آن‌ها تحویل گرفته شود.» ظاهراً این

موضوع برکشت‌گندم و چوسال بعد که قرار است در همان زمین‌ها و پس از برداشت چغندر کشت شود نیز اثر خواهد گذاشت و با این روند، مشکلات بیشتری از جمله کمیابی گندم و جو در سال آینده، گریبان چغندرکاران و حتی شهر را می‌گیرد. همین موضوع باعث ورود و پیگیری بیشتر روزنامه‌ها برای حل مسئله می‌شود. البته این اعتراضات بی‌پاسخ نمی‌ماند و مهندس فهیمی، رئیس کارخانه قند آبکوه، جوابیه‌را در ۳۰مهر به جراید می‌دهد تا ثابت کند که کارگران روزی ۱۰ساعت در کارخانه حاضرند تا هرچه زودتر آن را به بهره‌برداری برسانند و ۲۴کامیون ابزار و وسایل به وزن دویست تن از بازار مشهد و فریمان تهیه و به کارخانه حمل و نیمی از تعمیرات انجام شده است. در بخشی از این نامه آمده است: «راجع به تحویل چغندر نیز جای هیچ‌گونه نگرانی نبوده و همان‌طور که وعده داده شده، کارخانه به‌موقع خود چغندر امسال را تحویل خواهد گرفت.»

حاضر می‌شوند تا خودی نشان دهند و در نهایت از مهندسان و کارگرانی که برای راه‌اندازی کارخانه فعالیت کرده بودند، تقدیر و تشکر می‌کنند. ۲۹ دی‌ماه هم پیام دیگری این بار از سوی کارگران در جراید منتشر می‌شود تا مراتب تشکر خود را به گوش مسئولان برسانند. در این پیام آن‌ها از حسن انتخاب مهندس فهیمی که بلادرنگ پس از آتش‌سوزی به ریاست این کارخانه منصوب شده است تشکر می‌کنند و در ادامه چنین می‌نویسند: «با سرپرستی کامل و تعلیمات و هدایت ایشان توانستیم کارخانه را در زمانی کوتاه‌تر از آنچه در برنامه تعیین شده بود حاضر و بهره‌برداری کارخانه را شروع نماییم.» این آگهی خوشحالی کارگران کارخانه را منعکس می‌کند که در این آتش‌سوزی بیکار نشده‌اند و می‌توانند همچنان برای معیشت خانواده‌شان روی فعالیت یکی از معدود کارخانه‌های شهر حساب باز کنند.

یک عکس که ۱۶۰ سال پیش گرفته شده است

قدیمی‌ترین تصویر از فیل در ایران



برای اهداف شخصی برداشت کنند، بنابراین، شکل گرفتن نخستین باغ وحش در ایران، چندان اسباب سرگرمی و ... در جامعه آن روز، اسباب سرگرمی مردم را با دیدن

برای اهداف شخصی برداشت کنند، بنابراین، شکل گرفتن نخستین باغ وحش در ایران، چندان اسباب سرگرمی و سودجویی‌های درباریان تبدیل‌شود و از بودجه آن،

حیوانات فراهم می‌کرد و آن‌ها، نیاز چندانی به بازدید از باغ‌وحشی در ابعاد مدنظر شاه قاجار نداشتند. در کشف تاریخ امروز، قدیمی‌ترین عکس از یک فیل زنده را در ایران می‌بینید. این تصویر امروزه در آلبوم شماره ۲۵۱ مجموعه کاخ موزه گلستان نگهداری می‌شود و حاصل هنر آقارضا عکاس باشی، ملقب به «اقبال السلطنه»، است. آقارضا را باید یکی از نخستین عکاسان حرفه‌ای تاریخ ایران بدانیم. او در سال ۱۳۰۷ قمری، گرفتار قهرشاهانه شد و به قتل رسید. عکسی که می‌بینید، در ۹ دی‌الحجه سال ۱۲۸۰ قمری (۲۷ اردیبهشت ۱۲۴۳ خورشیدی) و در آستانه عید قربان برداشته شده است. دو نفر در تصویر با لباس یکسان دیده می‌شوند که باید فیلیان باشند. محل عکس‌برداری دقیقاً معلوم نیست؛ شاید آن را داخل یکی از کاخ‌ها یا در محل «مجمع الوحوش ناصری، گرفته‌اند. مکان باغ‌وحش ناصرالدین‌شاه ابتدا در حدود خیابان لاله‌زار بود و بعدها به «دوشان‌تپه» منتقل شد؛ به‌هر حال، این عکس ۱۶۰ ساله، قدیمی‌ترین عکسی است که از یک فیل در ایران گرفته شده و در دسترس است. شاید بد نباشد که در پایان به این نکته نیز اشاره کنم که حضور فیل در ایران، قدمتی بسیار طولانی دارد و در ایران باستان نیز می‌توان ردونشانی از فیل و فیل‌سواران در سرزمین‌ما یافت، هر چند که این حیوان بومی‌کشورمان نیست و آن را از هندوستان وارد ایران می‌کردند.